

About Osho



اشو، استادی نو ، عرفانی نو

عرفان اشو،

عرفان عشق ، مدیتیشن ، و جشن و پایکوبی ست.

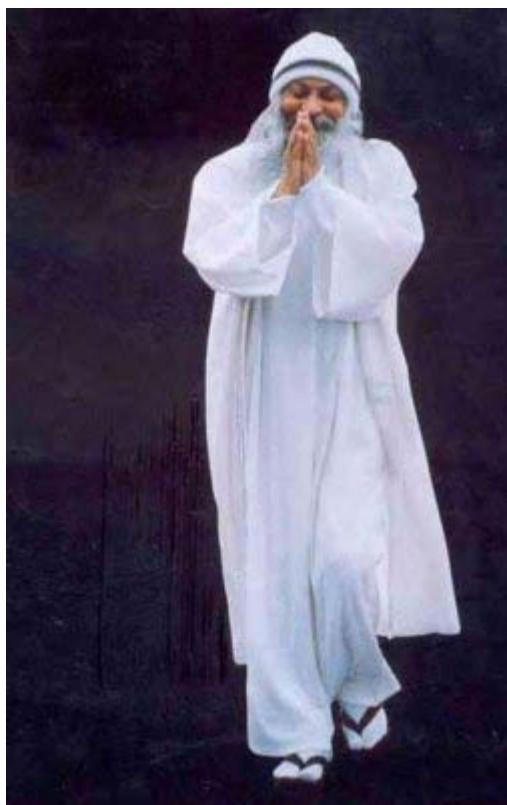
OSHO اشو برگرفته از واژه Oceanic است ، به معنای اقیانوسی

یا حل شده در اقیانوس.

این واژه ساخته ویلیام جیمز،

فیلسوف و روان شناس آمریکایی (۱۹۱۰-۱۸۴۲) است.

اشو کیست ؟



گفته های دیگران در مورد اشو:

"اشو مرشدی به اشراق رسیده است که از همه ی امکانات استفاده می کند تا به انسان ها کمک کند که از مرحله ی دشوار گسترش معرفت عبور کنند".

تنگین گیاتسو، چهاردهمین دالایی لاما

"نوارهای سخنرانی و کتاب های او الهام بخش من و میلیون ها انسان دیگر بوده اند در راه تکامل فردی.

حضور او در اینجا همچون ناقوس بزرگی است که صدا می زند.....

بیدار شوید، بیدار شوید، بیدار شوید".

جیمز کابورن ، هنرپیشه

"اشو خطرناک ترین انسان است از زمان مسیح تا کنون

آشکار است که بسیار هم کارساز است، وگرنه چنین تهدیدی محسوب نمی شد.
او چیزهایی می گوید که هیچکس دیگری شهادت گفتنش را ندارد.
"من آنقدر از کتاب های درخشنده اش را خوانده ام که متقاعد شوم
او بزرگترین آموزگار عرفانی قرن بیستم است....
او ما را بهتر از خودمان درک کرده است".

تام رابینز، نویسنده

"شما تنها اشو را نمی خوانید، بلکه خودتان را پیدا می کنید.
بی ادب، فرزانه، شوخ طبع، دیوانه و در پایان، بسیار سلیم".

نشریه ی کتاب خوان ، آمریکا

"اشو کسی است که مایتریا بودا در او وارد گشته است . او میکوشد که در قرن بیست و
یکم مدینه ای فاضله ایجاد کند.

نیروهای ویرانگر بسیاری با او مخالف هستند ، و برخی او را اهریمن میخوانند . ولی هرگز
اهریمنی را ندیده ام که مسموم شده باشد.

اهریمن بیشتر مسموم کننده است ، نه مسموم شده . ما باید این مرد ، باگوان را
محافظت کنیم . بودا وارد او شده است"

کاتوا یشیدا عارف معبد اگسه یکی از باستانی ترین معابد شینتو در ژاپن



باگوان شری راجنیش Bhagwan Shree Rajneesh در ۱۱ دسامبر در هند زاده شد . هفت
سال نخست زندگی را با پدربزرگ و مادربزرگ مادری اش زندگی کرد ، پس از مرگ
پدربزرگش، او با والدینش بهمراه مادربزرگش بود، مادربزرگی که بهترین دوست او باقی
ماند و مریدش شد.

اشو در سن چهارده سالگی برای اولین بار ساتوری (satori اشراق لحظه ای) (را تجربه کرد. در ۲۱ مارس ۱۹۵۲ (اول نوروز) در بیست و یک سالگی اشو به اشراق (روشن ضمیری) رسید:

او می گوید که در اینجا زندگی بیرونی اش به پایان رسید و از آن پس در یک موقعیت بی غروری در یگانگی با قوانین درونی حیات به زندگی ادامه داده است.

اشو تحصیلات دانشگاهی خود را ۱۹۵۶ با رتبه ی نخست در رشته ی فلسفه به پایان رساند. و برنده ی مسابقه ی گفتمان ی سراسری هند شد و مدال زرین را در رشته ی تحصیلی خود کسب کرد.

در دانشگاه جبل پور Jabalpur به مقام استادی فلسفه رسید. و بعد از یک سال این پیشه را ترک کرد تا خود را تمام وقت آموزش مراقبه به انسان امروزی بکند. در سال های ۱۹۶۰ در هندوستان به به سفر پرداخت و به آچاربا) آموزگار) راجنیش معروف شد و در سخنرانی های جنجال برانگیزش نفاق صاحبان منافع در جامعه را آشکار می کرد و بی پرده می گفت که آنان مانع دستیابی انسان به ساده ترین حق خود _ حق خود بودن _ هستند. او در حضور جمعیت های ده هزار نفری سخن می گفت و با سخنانش قلب میلیون ها انسان را لمس می کرد.

او در بمبئی به کار تدریس پرداخت و اردوگاه های مراقبه را در مناطق کوهپایه ای براه انداخت و در آنها روش انقلابی مدیتیشن دینامیک dynamic meditation را معرفی کرد که با تهی سازی ی ذهن و بدن، سبب توقف ذهن می شود.

از ۱۹۷۰ به بعد آغاز به مشرف کردن سالکین به جنبش نئوسانیاس neo-Sannyas کرد: طریقت تعهد به شناخت خویشتن و مراقبه کردن؛ که از راه عشق و هدایت شخصی او شکل می گرفت. در این زمان او را به لقب باگوان - وجود متبرک - می نامیدند.

جویندگان حقیقت از غرب آمدند. آوازه شهرت باگوان به اروپا، آمریکا، استرالیا و ژاپن رسید. اردوگاه های ماهانه مدیتیشن برپا بودند.

در پونا، معبد جدید اشو، در بیست و یکمین سالگرد اشراقش گشوده شد. و اشو جهانی شده است.

در همین زمان، سلامتیش خیلی افت پیدا کرده. او بیشتر و بیشتر در خلوت اتاق خود می ماند و تنها دو بار در روز بیرون می آمد: برای سخنرانی های بامدادی و برای مراسم تشریف و رهنمود به مریدانش.

گروه های تراپی با ترکیبی از بینش های شرقی و روان درمانی غربی راه اندازی شدند. ظرف دو سال معبد پونا به نام - بهترین مرکز رشد و تراپی در دنیا - شناخته شد.

اشو در مورد اکثر مذاهب دنیا سخنرانی کرده است. دانش او در باره فلسفه و تفکر غرب و شناخت عمیقش از عرفان شرق شگفت انگیز است. او میتواند پیچیده ترین مسایل عرفانی را بسادگی و روشنی بیان کند.

در پایان دهه ی هفتاد معبد اشو در پونا برای سالکین حقیقت به یک قطب تبدیل شده بود.

در یکی از سخنرانی هایش، عضو یکی از فرقه های سنتی هندو به جان اشو سوء قصد کرد.

در اول می، اشو سکوت را برگزید و وارد یک دوره - ارتباط ساکت دل-به-دل- با مریدانش شد.

مریدان آمریکایی او زمینی به مساحت ۶۴۰۰۰ هکتار را در صحرای اورگان Oregon خریداری و از اشو دعوت کردند که به آنجا برود . با کوشش مریدان این صحرای بی آب و علف به یک مزرعه ی سرسبز و در ادامه به یک شهرتبدیل شد.

در این شهر جدید راجنیش پورام Rajneeshpuram، برای جشن های سالانه دوستداران اشو، بیش از ۲۰۰۰۰ تن از سراسر جهان شرکت می کردند.

و همزمان با رشد تند این جمع در اورگان، جمع های بزرگ دیگری در تمام شهرهای بزرگ کشورهای غربی و ژاپن ایجاد شد.

در این زمان، اشو به نام یک رهبر دینی، برای اقامت همیشگی در آمریکا درخواست اقامت داد ولی درخواست او را دولت آمریکا رد کرد؛ یکی از انگیزه های رد درخواست او پیمان سکوتی بود که در آن زمان مراعات می کرد . همزمان، راجنیش پورام Rajneeshpuram مورد حملات روزافزون قانونی، بدست حکومت استان اورگان و اکثریت شهروندان مسیحی آنجا قرار گرفت.

راجنیش پورام Rajneeshpuram در جهان بعنوان یک شهر نمونه ی محیط زیستی شناخته شده بود.

در اکتبر ۱۹۸۴ اشو آغاز به سخن گفتن دوباره کرد برای گروه کوچکی از دوستانش و در جولای ۱۹۸۵ برای هزاران سالک.

در ۱۴ سپتامبر، منشی خصوصی اشو همراه با چندتن از اعضای تیم مدیران آن شهر بطور ناگهانی رفتند و روندی از اعمال غیرقانونی که بدست آنان انجام شده بود آشکار شد. اشو از مقامات آمریکایی دعوت کرد تا به آن شهر بروند و تحقیقات کاملی را انجام ده ند. ولی مقامات از این فرصت بهره گیری کرده و به مبارزه با آن جمع پرداختند.

در ۲۹ اکتبر اشو بدون حکم بازداشت شد و دست و پای او را به زنجیر کشیدند. در چند روز نخست بازداشت او ، هیچگونه اثر و ردپایی از او در زندان ها وجود نداشت. در زندان ایالتی اوکلاهما او را تحت نام دیوید واشنگتن David Washington نام نویسی کرده بودند و در سلولی همراه با فرد زندانی دیگری که مبتلاً به تبخال herpes مسری بود نگه داشته بودند _ مرضی که در صورت سرایت می توانست به مرگ باگوان بیانجامد.

پس از دوازده روز مجازات زندان و زنجیر ، و در نیمه ی ماه نوامبر وکلای او از او خواستند تا به دو مورد از ۲۴ مورد خلاقی که او را برای نقض قوانین مهاجرت متهم کرده بودند اعتراف کند تا بتواند جان خودش را از نظام قضایی آمریکا خلاص کند.

اشو تسلیم شد و با استفاده از قانون "دادخواست آلفرد _ Alfred plea" دادخواستی که ویژه نظام قضایی آمریکا است و او می توانست درگیر شدن با جرم را بپذیرد ولی درعین حال بیگناهی خود را نیز نگهداری نماید . او را چهارصد هزار دلار جریمه کردند و دستور اخراجش را با ممنوعیت حق ورود پنج ساله به آمریکا را صادر کردند. و در همان روز با جت خصوصی به هندوستان بازگشت و در کوه های هیمالیا به استراحت پرداخت.

یک هفته بعد جمع اورگان تصمیم به پراکنده شدن گرفت.

در پونا به منشی جدید اشو، و همچنین پزشک او که خارجی بودند ، پلیس دستور داد تا از هندوستان بیرون بروند و ویزاهایشان باطل شد.

اشو به کاتماندو در نپال رفت و سخنرانی های روزانه اش را ادامه داد.

اشو با یک ویزای سی روزه به یونان رفت و مریدان برای شنیدن سخنرانی های او هجوم می آوردند. کشیش اعظم ارتودکس دولت یونان را تهدید کرد که اشو را از کشور اخراج کنند.

اشو به سوئیس پرواز کرد . ولی در وقت ورود به سوئیس ویزای هفت رو زه اش بدست مامورین مسلح باطل شد . او به سوئد رفت که با او همان گونه برخورد شد و مامورین مسلح او را محاصره کرده و به او گفتند که او "خطری برای امنیت ملی" است و دستور دادند تا بی درنگ خاک سوئد را ترک کند.

در انگلستان و در ایرلند هم پلیس با او بد رفتاری کرد و در هلند و آلمان به اشو اجازه ی ورود داده نشد . در ایتالیا هم درخواست ویزای توریستی او بی جواب ماند و در آخرین لحظه، اروگوئه به اشو ویزا داد با امکان دادن اقامت همیشگی. ولی با تهدید آمریکا که اگر اشو در اروگوئه بماند، وام جاری آمریکا به مبلغ شش میلیارد دلار پس گرفته خواهد شد و ازاین پس هم هیچ وام دیگری به اروگوئه داده نخواهد شد. اشو مجبور به ترک آن کشور شد . بعد از آن اعلام کردند که آمریکا یک وام جدید به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به اروگوئه پرداخت کرده است.

اشو به جامائیکا رفت با یک ویزای ده روزه ، ولی بامداد روز بعد با فشار آمریکا ، ویزای اشو و گروه همراهش باطل شد.

اشو از راه مادرید به لیسبون پرواز کرد و برای زمانی شناسایی نشد . چند هفته بعد پلیس محل اقامت او را محاصره کرد، اشو تصمیم گرفت به هندوستان بازگردد.

روپهمرفته ۲۱ کشور یا او را اخراج کردند و یا اجازه ی ورود به او ندادند .

اشو در بمبئی برای شش ماه در خانه یک دوست هندی میهمان بود و به سخنرانی های روزانه اش ادامه می داد. و پس از آن اشو به پونا بازگشت.

اشو سالیان بسیاری را به آموزش و گسترش عرفان راستین و باز کردن چشمان مردمانی پرداخت که هزاران سال هیپنوتیزم شده بودند. اشو همیشه میکوشید تا آدمی را از این خواب طولانی بیدار کند.

از سخنرانی های اشو برای مریدانش، بیش از ششصد و پنجاه جلد کتاب گرد آوری شده است. این کتاب ها به بیش از چهل زبان برگردان شده است. اشو یک نویسنده نیست، او شخص هیچ کتابی را ننوشته است، کتاب های منتشر شده به نام اشو، برگرفته از سخنرانی های او هستند. همچنین نزدیک هفت هزار سخنرانی بر روی نوار کاست و ۱۷۰۰ سخنرانی بر روی نوار ویدئو از او ضبط شده است.

اشو پر فروش ترین نویسنده در هند به شمار می رود!

سالانه بیش از چند میلیون نسخه از کتابها و نوار های وی به فروش میرسد.

روزنامه ساندى تایمز انگلستان اشو را یکی از هزار شخصیت سرشناس قرن بیستم نامیده است، روزنامه ساندى میدی هند نیز او را جزو ده شخصیتی که سرنوشت هند را تغییر داده اند میدانند (مثل بودا، گاندى و...)

اشو در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ جسم خاکی خود را ترک کرد.

اشو

او هرگز زاده نشد، هرگز نمرد!

بلکه تنها بازدید کننده ای بود از زمین

بین سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۹۰



اشو :

پیام من دیدگاه فلسفی نیست، بلکه گونه ای کیمیاگری است! دانش دگرگونی عرفانی است بنابر این تنها آنان که مایلند بر آنچه هستند بمیرند و دوباره زاده شوند؛ تنها این عده از مردم با شهامت و دلیر که معدودند آماده شنیدن پیام من هستند . زیرا شنیدن این پیام نیز مخاطره آمیز است . با شنیدن آن شما نخستین گام را برای زایش دوباره برداشته اید. پیام من چیزی کمتر از مرگ و زایش دوباره نیست !

برگردان آزاد : سوآمی راگو

osho.com